جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۸
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۲۷۳ | شنبه ۱۶ مرداد ۱۴۰۰ | ۲۷ ذی‌الحجه ۱۴۴۲ | اذان ظهر: ۱۳:۱۰ |
غروب آفتاب: ۲۰:۰۳ | اذان مغرب: ۲۰:۲۲ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰:۲۳ | اذان صبح فردا: ۰۴:۴۳ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۱۸ |

دیده‌بان | نوید پارسا

«نداشتن عمل زیبایی» شرط بازی در سریال حاتمی‌کیا

یوسف حاتمی‌کیا فراخوان جدیدی از انتخاب بازیگران سریال «موسی(ع)» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا را منتشر کرده که طی آن نداشتن عمل جراحی زیبایی یکی از شروط قبولی در آن است.

سریال «موسی(ع)» یکی از دو پروژه مهم و الف ویژه سازمان صداوسیماست که هنوز در مرحله قبل از پیش‌تولید است و اتفاقات مختلفی را به لحاظ انتخاب لوکیشن، انتخاب هنرور و همچنین کار روی داستان و فیلمنامه می‌گذراند.

این پروژه پس از فرار و نشیب‌های مختلف به ابراهیم حاتمی‌کیا رسید تا کارگردانی آن را بر عهده داشته باشد و سومین سریال او خواهد بود. مدتی است که به طور رسمی خبری از تجربه جدید حاتمی‌کیا وجود ندارد، با این حال در همین ایام فراخوان‌های مختلفی در شهرهای کشور برای جذب بازیگر انجام شده است. به تازگی نیز یوسف حاتمی‌کیا فرزند ابراهیم حاتمی‌کیا یکی از فراخوان‌های مربوط به انتخاب بازیگر مربوط به استان فارس را در صفحه خود در اینستاگرام قرار داده است.

در این فراخوان که با عنوان «انتخاب بازیگر سریال موسی(ع)» منتشر شده درباره ملاقات با هنرمندان استان فارس طی روزهای ۱۴ تا ۱۷ مرداد در شهر شیراز اطلاع‌رسانی شده است. در این فراخوان به جزئیات مختلفی هم اشاره شده که از جمله آن می‌توان به این نکته اشاره کرد که تأکید شده است متقاضی به هیچ عنوان هیچ نوع عمل زیبایی (صورت، بینی، لب، گونه و تتو) نباید داشته باشد.

ادامه پروژه تبلیغاتی سعید ملایی این بار با تولید یک سریال

تلاش استودیوهای فرصت‌طلب صهیونیستی در پی سوءاستفاده از ماجرای سعید ملایی و ساخت مستند درباره او بیش از پیش نگاه پروژه‌ای به مسائلی از این دست را برملا می‌کند.

الکس گیبنی، تهیه‌کنندگی استودیویی سریال کوتاه مشترک متروگلدوین‌مایر و تادمور انترتینمنت در مورد دو جودوکار بحث‌برانگیز سعید ملایی و ساگی موکی را برعهده خواهد گرفت.

نگارش متن این سریال کوتاه جدید بر عهده نویسنده ایرانی-امریکایی به نام کوروش نورسته (نویسنده «سنگ‌سار ثریا میم») خواهد بود. گیبنی و همکارش کوین پلانکت در شرکت جیگسا پروداکشنز در کنار نورسته، امیلیو شنکر، مایکل اشمیت و آریل وایسبراد به نمایندگی از کمپانی تادمور و استیو استارک، رئیس سابق بخش تلویزیونی متروگلدوین‌مایر از طریق شرکت تولوکا پیکچرز وی، به‌عنوان تهیه‌کننده استودیویی این پروژه ایفای نقش خواهند کرد.

این سایت درباره زندگی سعید ملایی با تحریف واقعیت نوشت: این سریال براساس داستان واقعی زندگی ملایی ساخته خواهد شد که برای حق مسابقه دادن با موکی، رقیب خود از رژیم صهیونیستی، همه‌چیزش را به خطر انداخت. پس از آن، این دو ورزشکار با یکدیگر دوست شدند و بیش از هر چیز خواستند تا خارج از محدودیت‌های سیاست به رقابت بپردازند. سعید به رغم تهدید از سوی مربیان خود از وطنش ایران فرار کرد و به منطقه‌ای مخفی پناهجو شد تا برای کسب عنوان قهرمانی مبارزه کند.

پیکر فرزانه معصومیان در خاک آرام گرفت

پیکر فرزانه معصومیان، گوینده فقید رادیو جمعه به خاک سپرده شد.

پیکر فرزانه معصومیان، گوینده رادیو، دیروز با حضور خانواده‌اش در قطعه هنرمندان به خاک سپرده شد و به دلیل شیوع کرونا اهالی رادیو در این مراسم حضور نداشتند.

گفت‌وگو

پرواز ابدی بدلکاری که پایش روی زمین بند نبود

مردی که در هنر بدلکاری با خلاقیت‌های خاص و با ادبی که همه از او سراغ داشتند به چهره‌ای مشهور و معروف تبدیل شده بود

■ محمدصادق عابدینی

مرگ «ارشا اقدسی» موجی از بهت و افسوس را در جامعه هنری به همراه داشت. درگذشت این هنرمند جوان، حتی بیش از حادثه غمباری که برای «پیمان ابدی» رخ داد، باعث افسوس مردم ایران شد.

ارشا اقدسی چند روز پس از حادثه‌ای که سر فیلمبرداری یک فیلم خارجی در لبنان برای او به وجود آمد، دار فانی را وداع گفت. نام وی از زمانی که با مرحوم «ابدی» همکاری می‌کرد مطرح شد و پس از درگذشت «ابدی» وی معروف‌ترین بدلکار سینمای ایران شد؛ مردی که در هنر با خلاقیت‌های خاص و با ادبی که همه از او سراغ داشتند به چهره‌ای مشهور و معروف تبدیل شده بود. نام ارشا اقدسی در بسیاری از پروژه‌های سینمایی و تلویزیونی داخلی و خارجی به عنوان بدلکار ثبت شده بود و حضور وی در آخرین پروژه کاری پیش از مرگش که در لبنان بود، نشان از مقبولیت فعالیت‌های او در سطح بین‌المللی داشت.

■ **از کتک‌خورها تا بدلکارها**

سابقه بدلکاری در سینمای ایران به دوران فیلمفارسی بازمی‌گردد؛ زمانی که اغلب بدلکاران سینما را با عنوان «کتک‌خورها» می‌شناختند. وظیفه کتک‌خورها این بود که در سکانس‌های مهیج فیلمفارسی به عنوان نوچه «بدمن» وارد دعوا شده و از قهرمان فیلم حسابی کتک بخورند. به گفته مجید علیزاده، رئیس انجمن بازیگران و بدلکاران سینما، عملاً تا پیش از سریال «سربداران» حرفه بدلکاری در سینمای ایران به رسمیت شمرده نمی‌شده است. در سال‌های بعد از انقلاب که سینما از ستاره‌های فیلمفارسی خالی می‌شود، کم‌کم سایر بازیگران نیز فرصت دیده شدن پیدا می‌کنند ولی با وجود این باز هم بدلکارها همچنان در سایه باقی می‌مانند. علیزاده درباره وضعیت شغلی بدلکاران می‌گوید: «در گذشته هیچ وسیله‌ای برای کارهای اکشن وجود نداشت و ما هیچ امنیتی در فیلم‌ها نداشتیم. به یاد می‌آورم یک سکانس را باید از کوه به پایین می‌افتادم که سکانس خطرناکی بود اما باز هم این نقش را بازی کردم چراکه به سینما عشق می‌ورزیدم. من در سینما درآمد آنچنانی نداشتم بلکه عشق به سینما بود که باعث شد تا الان این کار را ادامه دهم، خانه دوم من سینماست، هر چند دیگر سنی از من گذشته است اما باز هم به کار خود در سینما ادامه می‌دهم. در سینمای امروز بی‌معرفتی‌های بسیاری وجود دارد، ما را که می‌بینند انگار که می‌خواهیم مانند مار آنها را نیش بزنیم و به بدلکاران نقش نمی‌دهند، بعد وقتی فیلم را می‌بینیم متوجه می‌شویم بازیگران شناخته‌شده‌ای حضور ندارند و این پول است که نقش اول را در فیلم‌ها بازی می‌کند.» وی همچنین می‌گوید: «در حال حاضر تنها ۵۰درصد از ابزار مورد نیاز این حرفه را تهیه کرده‌ایم و ۵۰درصد از آن را نداریم. باید شرایطی فراهم شود تا بتوانیم بهترین امکانات را برای حوزه بدلکاری تهیه کنیم تا کسی صدمه نبیند. متأسفانه بارها با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نامه‌نگاری کرده‌ایم تا امکانات مناسبی را فراهم کنیم اما هیچ کمکی در این زمینه به ما نمی‌شود.»

در کنار هنرمندان قدیمی که بعضاً سینما را با کتک‌خور بودن در فیلمفارسی آغاز کرده‌اند، نسل جدید بدلکاران سینما در ایران با نام «ارشا اقدسی» گره خورده است

■ **مردان ابدی**

در کنار هنرمندان قدیمی که بعضاً سینما را با کتک‌خور بودن در فیلمفارسی آغاز کرده‌اند، نسل جدید بدلکاران سینما در ایران با نام «ارشا اقدسی» گره خورده است. نام ابدی پس از آن در ایران شهره شد که مشخص شد این جوان روزگاری در سریال محبوب «هشدار برای کبری ۱۱» بدلکاری می‌کرده است. ابدی که سال‌ها آلمان زندگی کرده بود، به ایران بازگشت و از سال ۱۳۸۵ فعالیت خود را در سینمای ایران آغاز کرد. وی اولین مدرسه بدلکاری در ایران را راه‌اندازی کرد و ورزش‌هایی مانند «بانجی چامپینگ» را رواج داد. با وجود پرکاری ابدی و گروهی که آموزش داده بود، این بدلکار جوان متأسفانه در سال ۱۳۸۸، طی یک حادثه سر صحنه فیلمبرداری، جان خود را از دست داد. با درگذشت ابدی، شاگردان او کار استاد را ادامه دادند، یکی از اعضای این گروه، جوانی به نام ارشا اقدسی بود؛ پسری که می‌خواست برای ادامه تحصیل به ایتالیا برود، اما آشنایی‌اش با پیمان ابدی، مسیر زندگی وی را تغییر داد. به جرئت می‌توان گفت که پس از درگذشت مرحوم ابدی، هیچ بدلکاری در سینمای ایران به شهرت و محبوبیت اقدسی نرسید. حضور وی در برنامه‌های تلویزیونی از جمله برنامه «خندوانه» بر دایره محبوبیت این هنرمند افزوده بود.

■ **واکنش‌ها به مرگ اقدسی**

فاصله چند روزه میان خبر اتفاق ناگوار برای ارشا اقدسی تا مرگ این هنرمند، باعث شد تا اغلب هنرمندان ایرانی با انتشار تصاویر وی در شبکه‌های اجتماعی، ضمن ابراز امیدواری برای بهبود بدلکار مشهور ایرانی، از نزدیکی و دوستی خود با اقدسی سخن بگویند. مرگ این هنرمند نیز باعث شد چهره‌های مختلف در پیام‌های خود از این ضایعه دردناک ابراز تأسف کنند.

حسین انتظامی در پیامی درگذشت ارشا اقدسی را تسلیت گفت. در پیام رئیس سازمان سینمایی در پی درگذشت این بدلکار شناخته شده آمده است: «ارشا اقدسی نقش پررنگی در اعتلای حرفه بدلکاری و رشد و بالندگی آن داشت و صحنه‌های ماندگاری از خود به یادگار گذاشت. روانش شاد. درگذشت این هنرمند محبوب را به خانواده و دوستان و همکارانش تسلیت می‌گویم.» حمید شاه‌آبادی معاون سیما نیز درگذشت ارشا اقدسی، بدلکار جوان را تسلیت گفت و نوشت: «مرحوم ارشا اقدسی با وجود شهرت جهانی و کار در پروژه‌های بین‌المللی اما همواره در خدمت سینما و تلویزیون ایران بود که نشانه تعهد وعشق او به مردم و کشورش بود، همچنان که معاونت سیما نیز این افتخار را داشت که از تخصص و توان او در ده‌ها سریال، برنامه و مسابقه بهره ببرد.»

احسان علیخانی، مجری و تهیه‌کننده برنامه «عصرجدید» نیز در دلنوشته‌ای با اشاره به اینکه مدت‌ها با مرحوم اقدسی در برنامه «عصر جدید» همکاری داشته است، می‌نویسد: «از دیروز دارم فکر می‌کنم به این زود رفتنت، این هم حتماً یکی دیگه از دیوونه‌بازی‌هاته ارشا... دو سال به عنوان مربی شرکت‌کننده‌های عصرجدید، کنارم بودی. چقدر دعوا کردی با همه سرِ کارا! یادته سرِ اجرای ویژه خودت برای آتش‌نشانان که با بچه‌ها ساختینش و تو قسمت‌هایی شو دوست نداشتی، نشستی جلوم عین بچه‌ها، گریه کردی و خواستی که یه روزِ دیگه دوباره ضبط کنیم؟ من می‌خندیدم که «ارشا مهم نیست» ولی اونقدر برات مسئله جدی بود و اصرار کردی که گفتم «باشه... فردا دوباره ضبط می‌کنیم»، بغلم کردی و عین بچه‌ها وسط گریه، خندیدی! مگه میشه این دیوونه‌بازی‌ها و عشقت به کار و رشته‌ت، فراموشم بشه؟!»

مرگ ارشا اقدسی که به گفته علیخانی در تلاش برای ثبت جایزه سیمرغ بدلکاری در جشنواره فجر بوده است، باز هم نشان داد هنرمندان عرصه بدلکاری تا چه حد در معرض خطر هستند و تا چه میزان هنرشان نادیده گرفته می‌شود.

حکمت

امام علی(ع):
دوستت را چنان به اندازه دوست بدار که بسا روزی دشمنت شود و دشمنت را چنان به قاعده دشمن دار که بسا روزی دوستت شود.
«گزیده تحف‌العقول»

نما | حسین کشتکار

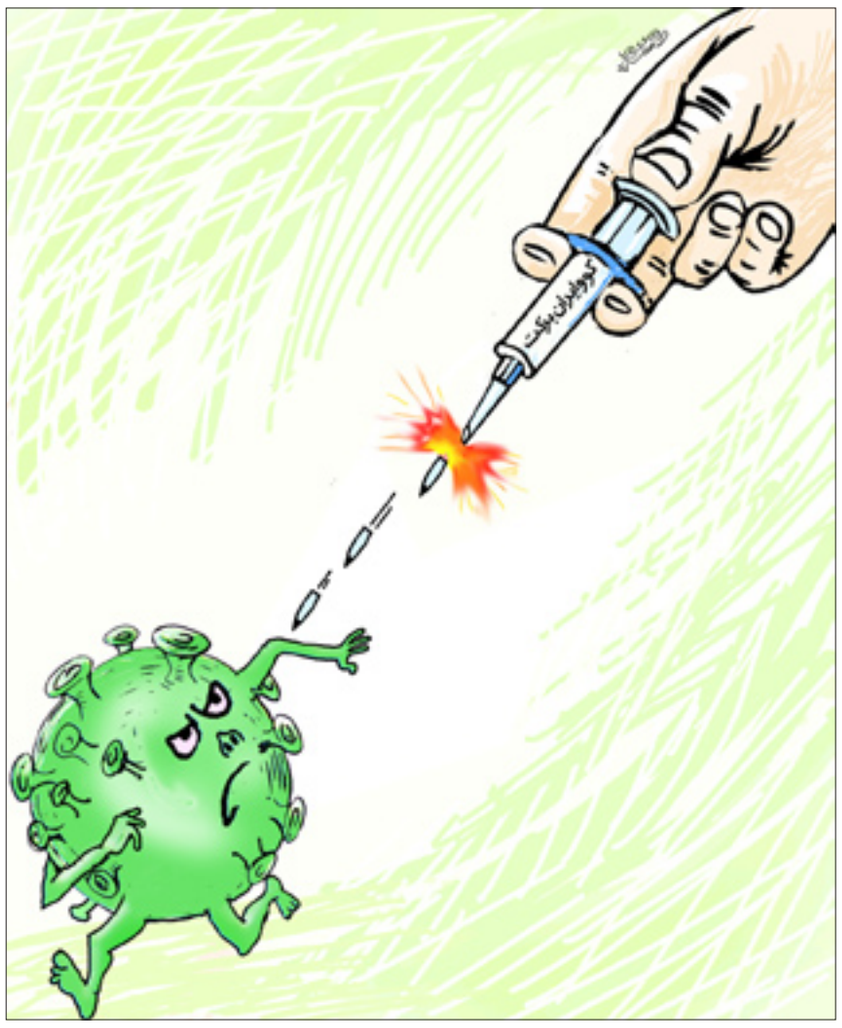

نقد فیلم

دینامیتی که در حد یک ترقه عمل نمی‌کند!

آخرین ساخته مسعود اطیابی خیلی چیزها کم دارد و وابسته به اتفاق‌های کلیشه‌ای و تکراری است. نقش هادی یا محمدحسین به شدت باسمه‌ای و سطحی شکل گرفته است که حتی جمشیدی و مهران‌فر نیز نتوانسته‌اند از پس آن بربیایند

■ افشین علیار

اگر پژمان جمشیدی یا احمد مهران‌فر در «دینامیت» حضور نداشتند یا ژانر فیلم کمدی (بخوانید شبه‌کمدی) نبود، توان فروش چند میلیونی هم نداشت.

تازه‌ترین ساخته مسعود اطیابی نکته جدیدی برای ارائه ندارد؛ اثری که اگر موقعیت‌های زمانی یا مکانی‌اش را نادیده بگیریم فیلمی است در رده‌های آثارِ شانه تخم‌مرغی دهه ۸۰! اساساً اطیابی در کمدی که قطعاً به چارچوب و اساس آن مسلط نیست، متکی به بازیگر چهره است و به همین دلیل تجارت در این ژانر را بیشتر از ایجاد یک اثر استاندارد و ماندگار یا حتی متوسط دوست دارد، دینامیت با همان الگوهای تکراری و کلیشه‌ای با بهره‌گیری از عنصر تضاد شخصیت و موقعیت شکل گرفته است. محمدحسین و هادی دو جوان شبه‌ارزشی سر از بالای شهر درمی‌آورند و در ساختمانی سکونت می‌کنند که دو همسایه آنها از نظر عقاید با این دو جوان تضاد دارند. مشکل اصلی دینامیت نداشتن فیلمنامه است؛ همه چیز در سطح می‌گذرد و خبری از اتفاق و موقعیت کمدی نیست و دیالوگ‌ها انگار بداهه گفته می‌شوند. هادی و محمدحسین تیپ‌هایی هستند به ظاهر مذهبی سفت و سخت اما تمامی رفتار و ری‌اکشن‌های این دو همان تیپ‌های تکراری است که از فیلم‌های دیگر وام گرفته شده و در اینجا به شدت کاریکاتوری است. آدم‌های این فیلم بی‌هویت و اخته‌اند، فقط دیالوگ می‌گویند؛ دیالوگ‌هایی که لوس هستند و نمی‌توانند از مخاطب خنده بگیرند.

تکلیف فیلمساز با اثر مشخص نیست و محوریت موضوع مجهول است، هیچ اتفاقی در فرآیند قصه رخ نمی‌دهد و انگار اطیابی سعی داشته مخاطبش را با استفاده از بازیگرانی مثل جمشیدی، کیایی و مهران‌فر گول بزند، حتی وجود این سه بازیگر هم نتوانسته کمدی ایجاد کند چراکه دینامیت با یک طرح نیم‌بند خطی شکل گرفته و این مشکل بزرگ قطعاً برای فیلمساز به چشم نیامده است. اینکه دینامیت سانسور شده یا نه را نمی‌دانم اما آنچه به نظر می‌رسد اینکه فیلم خیلی چیزها کم دارد. دینامیت وابسته به اتفاق‌های کلیشه‌ای و تکراری است.

نقش هادی یا محمدحسین به شدت باسمه‌ای و سطحی شکل گرفته است که حتی جمشیدی و مهران‌فر نیز نتوانسته‌اند از پس آن بربیایند.

شوخی‌های دم‌دستی با مذهب همراه با تیپ‌های همیشگی نه تنها نمی‌تواند برای مخاطب جذاب باشد بلکه به هیچ وجه نتوانسته است در یک شکل و فرم جدی در قالب ژانر قرار بگیرد، به همین دلیل هادی نتوانسته است شخصیت باشد و به موازات آن محمدحسین بنا بر مصلحت‌اندیشی و خویشتنداری در جاهایی از فیلم تا حدودی توانسته است از نظر تفکر در کنار هادی تعادل به‌وجود بیاورد اما کافی نیست چراکه اطیابی بیش از اینکه حواسش به شخصیت‌پردازی باشد، سعی بر طنازی بازیگران داشته اما اگر دینامیت بر اساس فیلمنامه‌ای منظم و منسجم نوشته می‌شد، می‌توانست در عین کمدی بودن یک اثر جدی هم باشد، اما در دینامیت هادی و محمدحسین جدی گرفته نمی‌شوند و به همین دلیل باورپذیر نیستند. نمی‌شود از پایانبندی فیلمی ایراد گرفت که ابتدا و میانه آن به شدت مشکل دارد. از نظر اجرا اتفاقی در فیلم دیده نمی‌شود.

تفاوت یا پیشرفتی از «خروس جنگی» تا دینامیت در کارنامه اطیابی به چشم نمی‌آید. همانطور که گفته شد مجموعه بازی‌های این فیلم یکی از صدها نکته منفی آن است. ساخت فیلم سرگرم‌کننده قطعاً باید متر و معیار مشخصی داشته باشد، فروش بالای یک فیلم دلیلی بر بی‌نقص بودن آن نیست. دینامیت متشکل از نقص‌هایی است که حضور بازیگرانش (نه بازی آنها) مخاطب را به سینما می‌کشاند و اینکه مخاطب با چه حسی از سالن سینما خارج می‌شود، قابل بررسی است.

گفت‌وگو

یک بازیگر عنوان کرد

سریال در کنار سرگرم کردن باید مسئله داشته باشد

معتقدم صرف سرگرم کردن مخاطب اگر هدف سریال‌سازی باشد، جامعه به نوعی با تنزل فرهنگ مواجه خواهد شد.

مرجان قمری بازیگر با بیان این مطلب به «جوان» گفت: به نظرم باید بین سرگرمی و مسئله‌مند بودن در سریال‌ها نوعی توازن ایجاد شود، چون به نظر می‌رسد کفه هر کدام از این دو سنگینی می‌کند و می‌تواند آثار را با چالش مواجه کند. این بازیگر در ادامه عنوان کرد: معتقدم سریال‌سازها باید به لحاظ جامعه شناختی و نگاه فرهنگی چندگام جلوتر حرکت کنند و به سریال‌سازی به عنوان یک فرآیند فرهنگی نگاه بشود. در واقع سریال‌ها باید به لحاظ تأثیرگذاری جامعه را به جلو ببرند و تأثیری مثبت در جامعه داشته باشند و اگر قرار باشد صرفاً سرگرم کنند و این سرگرم‌سازی بدون در نظر گرفتن جنبه فرهنگی باشد، جامعه با رکود مواجه خواهد شد.

بازیگر سریال «حورا» گفت: سریال‌هایی که دست کم برخی از مشکلات مردم را دراماتیزه و در قالب داستان‌های جذاب ارائه کنند، قاعدتاً بهتر از سریال‌های دیگر می‌توانند مورد توجه قرار گیرند. تجربه حضور خودم در سریال «حورا» نشان می‌دهد که وقتی بخشی از دغدغه‌های اجتماعی مردم را نشان می‌دهیم در مواجهه با مخاطب موفق‌تر خواهیم بود. این بازیگر افزود: اگر دوستان سریال‌ساز به سمت موضوعاتی بروند که برشی از زندگی مردم در آنها وجود دارد می‌توانند در کارشان به موفقیت نسبی برسند، حتی می‌توان سوژه‌یابی را از طریق مرور آرای مخاطبان انجام داد. بازیگر «متری شیش‌ونیم» گفت: این روزها به لطف فضای مجازی، مخاطبان بیشتر از قبل نظرات صریح و واقعی خود را انعکاس می‌دهند و برای همین خیلی راحت می‌توان با بررسی نظرات مخاطبان متوجه شد خواسته آنها چیست.

این بازیگر اظهار داشت: به غیر از مرور نظر و تحلیل مخاطبان با مراجعه به مسائل مبتلابه جامعه می‌توان به دید و نگرشی جامع برای ارائه سریال مبادرت کرد. همین مسائل کرونا یا گرفتاری‌های اقتصادی را در نظر بگیرید، اگر واقعاً سریال‌هایی بسازیم که نه فقط صرفاً مشکلات جامعه را تصویر کند بلکه ریشه‌های این مشکلات را واکاوی و دراماتیزه کنند، در واقع روی نقاط تاریک نور انداخته‌اند و می‌توانند اثرگذار باشند. مرجان قمری که سابقه سال‌ها کار تئاتر هم دارد، ابراز امیدواری کرد: خوشبختانه هم در تئاتر و هم در سینما و هم در تلویزیون هرگاه به این سمت و سو رفتیم که فاصله درام را با مسائل جامعه کمتر کنیم، نتیجه بهتری گرفتیم. چه ایرادی دارد حتی اگر بخواهیم یک فیلم خارجی را ایرانیزه کنیم باز هم بر مبنای خواسته‌ها و مسائل مردم خودمان باشد تا نتیجه بهتری بگیریم. امیدوارم سریال‌سازان و فیلمسازان از طریق طرح دغدغه‌های مردم به سمت ارتباط‌گیری بیشتر با مخاطب بروند.

سیما

اختلاف ۲ روابط عمومی سیما بر سر یک نظرسنجی

«وضعیت زرد» موجب اختلاف شد

آخرین نظرسنجی سازمان صداوسیما در حالی منتشر شده که نام یکی از سریال‌ها در آن نیامده و همین باعث بروز ابهاماتی شده است.

طی روزهای اخیر، تازه‌ترین نظرسنجی سازمان صداوسیما منتشر شد که در این نظرسنجی آمده است: مجموعه چینی «پزشک دربار» از شبکه۵، ۷/۵درصد، «وضعیت زرد» از شبکه۳، ۵/۳درصد، «آخرین پادشاهی» از شبکه۴، ۳/۳درصد و «رئیس‌جمهور موقت» از شبکه «افق» هم با ۲/۷درصد مخاطب در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. در پی انتشار این نظرسنجی، «کوروش کمره‌ای» مشاور مدیر شبکه۳ سیما در اظهارنظری به تناقض موجود در نظرسنجی اشاره کرد و در این باره نوشت: انتشار نظرسنجی نیمه‌دوم تیر سریال‌ها توسط روابط عمومی سازمان و مخاطب ۵درصدی سریال وضعیت زرد، سؤالاتی را ایجاد کرده که سربسته به چند نکته اشاره می‌کنم.

وی اضافه کرد: قسمت اول سریال وضعیت زرد یکم مرداد ماه به عنوان سریال دوم شبکه در کنار «گاندو» روی آنتن رفته است. سؤال این است که چطور نام این سریال در نظرسنجی نیمه دوم تیرماه اعلام شده است؟ احتمالاً پوستر سریال ۵درصد مخاطب داشته است! کمره‌ای آورده است: در نیمه دوم تیرماه سریال «کلبه‌ای در مه» روی آنتن بوده و یک‌سوم قسمت‌های آن در این فاصله پخش شده است. جز رفتار غیرحرفه‌ای روابط عمومی سازمان چه چیزی می‌تواند نام این سریال را از نظرسنجی نیمه دوم تیرماه حذف و سریالی که روی آنتن نبوده را جایگزین کند؟ حقیقت این است در این سه سال شبکه۳ در همه نظرسنجی‌های فصلی پرمخاطب‌ترین شبکه سیما بوده و این برای برخی جریانات محافظه‌کار داخل سازمان گران تمام شده است.

مستند

عرضه اینترنتی یک مستند درباره کلاهی که فرانسه سر ایران گذاشت

وقتی از فرانسه ایدز گرفتیم اما غرامت نه!

کارگردان مستند «چند قطره خون» عنوان کرد که این مستند درباره ماجراهایی است که بعد از ورود خون‌های آلوده به ویروس ایدز به ایران، پیش آمد.

نوید نامور کارگردان مستند «چند قطره خون» همزمان با عرضه اینترنتی این مستند، به مهر گفت: دلیل آشنایی من با سوژه خون‌های آلوده، علی صابری، وکیل این پرونده بود. درباره این پرونده دو مستند ساخته شد؛ یکی به نام «وقتی همه چیز دیر می‌شود» که به فاز داخلی پرونده پرداخته بود، دیگری فیلم من یعنی همین «چند قطره خون» که به فاز خارجی این پرونده پرداخته است. موضوع فیلم من قصور شرکت فرانسوی در پرونده «خون‌های آلوده» است. وی در تشریح جزئیات پرونده «خون‌های آلوده» گفت: در این پرونده فاجعه‌ای عجیب و غریب رقم خورد. فاجعه اصلی که در فیلم هم به آن اشاره کرده‌ام این بود که فرانسوی‌ها از آلوده بودن این خون‌ها اطلاع داشتند. در فیلم ما بریده جراید و روزنامه‌های فرانسوی آمده است که خودشان اعتراف کرده‌اند می‌دانسته‌اند این خون‌ها آلوده است. بعد همین بار خون را به قیمت ۱۳۸ میلیون فرانک به کشورهای مختلف ارسال کرده‌اند که شوربختانه کشور ما هم یکی از هشت کشور مقصد این بار بوده است. کشورهایی مانند آرژانتین، آلمان و یونان هم بوده‌اند، البته مشکلاتی که بعدها برای ما به وجود آمد از سر تکذیب مقامات ایرانی بود!

وی افزود: در این پرونده می‌گوییم یک شرکت فرانسوی خون‌های آلوده به ایران داد، اما همین شرکت هفت سال بعد یک نامه رسمی در سربرگ خودش به ایران ارسال می‌کند که این محصولاتی که ما هفت سال پیش به شما دادیم، آلوده به ویروس اچ‌آی‌وی بوده و ایدز وارد ایران شده است. فاجعه زمانی رخ داد که وزارت بهداشت وقت ایران نامه‌ای را تنظیم می‌کند و در پاسخ می‌گوید شما حتماً قصد و غرضی دارید چراکه ایدز در کشور ما جایی ندارد! فرانسه رسماً اعتراف کرده که محصول آلوده به شما داده‌ایم و اینجا به جای پیگیری، ادعای او را تکذیب کردند! این مستندساز در ادامه گفت: به راحتی می‌توانستند جلوی بسط این موضوع در جامعه را بگیرند اما به جایش بیمارانی را که از این خون‌ها مصرف کرده بودند، ایزوله کردند، با این حال لااقل می‌توانستند آنها را مطلع کنند. من با بیمارانی در این پرونده مواجه شدم که بابت وضعیت‌شان گریه می‌کردند و نمی‌دانستند چه باید بکنند. آدم‌هایی به این پرونده متصل شدند که هیچ ارتباطی با اصل پرونده نداشتند. وی افزود: فکر می‌کنید چرا شرکت فرانسوی به تمام دنیا غرامت پرداخت کرد اما به ایران غرامت نداد؟ دولت وقت ایران برای آنکه این فاجعه را بپوشاند، خودش به قربانیان این پرونده غرامت پرداخت کرد، اما غرامت ریالی ما کجا و غرامتی فرانسوی‌ها که به یورو پرداخت می‌شد کجا!